

رواج غیبت در بین بانوان

آمنه انتصاری*

مقدمه

غیبت یکی از بزرگ‌ترین عیوب اخلاقی و از فراگیرترین بیماری‌های روانی - شخصیتی است که در اخلاق اسلامی هم از آن به شدت نهی شده است. شاید هیچ عملی در اسلام به اندازه غیبت، ناروا دانسته نشده باشد؛ زیرا باعث هتک حرمت مسلمین شده، بین مردم ایجاد کینه می‌کند و موجب تضییع آبرو می‌شود. غیبت کردن، دوستی‌ها را تبدیل به دشمنی می‌کند و باعث می‌شود حسن ظن و خوش‌گمانی جایش را به بدگمانی بدهد. این بدگمانی، وحدت و دوستی را از بین می‌برد و با همراهی شیطان باعث ایجاد تفرقه می‌شود. در این مقاله به بررسی علل غیبت بین بانوان و راهکارهای جلوگیری از آن می‌پردازیم.

تعریف غیبت

غیبت کردن به معنای غایب شدن، ناپدید شدن، حاضر نشدن، بد گفتن در

* دانش‌آموخته حوزه علمیه خواهران و کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.

پشت سر کسی، و بدی و عیب کسی را در غیاب او گفتن است.^۱ بنابراین اگر بدی‌های شخصی را در نبودش بگویند و آن بدی‌ها به واقع در او باشند، این کار غیبت است و اگر آن بدی‌ها در او نباشند، بهتان و تهمت است.^۲ در تفسیر مجمع البیان آمده: غیبت آن است که انسان پشت سر دیگران عیب‌هایی را که دارند بازگو کند؛ اما اگر پشت سر دیگران چیزی گفته شود که در آنان نیست، این کار بهتان و تهمت نام دارد که گناه بزرگی است.^۳

نکوهش غیبت

در قرآن کریم از غیبت به خوردن گوشت مرده تعبیر شده؛ زیرا کراهت خوردن گوشت مرده بر همه واضح است و کسی دوست ندارد گوشت مرده بخورد؛ در غیبت هم همین است و آبروی مؤمن در زمان غیبت مانند گوشت مرده است؛ به ویژه که آبروی رفته دیگر باز نمی‌گردد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «... لَا يَغْتَابُ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ...»؛^۴ بعضی از شما غیبت بعضی را نکند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ پس [به راستی که] از آن کراهت دارید». مجمع البیان در ذیل این آیه به نقل از زجاج می‌گوید: این مثال بدان جهت آمده است که همان‌گونه که اگر گوشت مرده‌ای را برادرش بخورد، بدان دلیل که مرده است دردی را حس نمی‌کند، هنگام سخن گفتن پشت سر دیگری نیز او همان حالت را دارد؛ چراکه حضور ندارد تا از خود دفاع کند.^۵

۱. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰، باب غیبت، ص ۱۴۸۹۶.

۲. ابن اثیر، النهایه، ج ۳، باب العین والیاء، ص ۳۹۹.

۳. علی کرمی فریدنی، شرح واژه‌های قرآن در ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۳۱، ص ۴۵۳.

۴. حجرات، آیه ۱۲.

۵. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۱۳، ص ۸۷۸.

رسول خدا ﷺ می فرماید: «مَرَزْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عَلِيٍّ قَوْمٍ يَخْمِسُونَ وُجُوهَهُمْ بِأَظْفَارِهِمْ قُلْتُ يَا جِبْرَائِيلُ مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَغْتَابُونَ النَّاسَ وَيَقْعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ؛^۱ در شب معراج مردمی را دیدم که چهره‌های خود را با ناخن‌هایشان می خراشیدند. پرسیدم ای جبرئیل اینها کیستند؟ گفت: اینها کسانی هستند که غیبت مردم را می‌کنند و آبرویشان را می‌برند».

بُودَ غِيْبَتِ خَلْقٍ، مُرْدَارِ خَوْرَدَنِ اَز اَيْنِ لَقْمِهٖ پَاكِ كُنْ كَامِ وَ دِهْنِ رَا

علل غیبت

غیبت از صفات و رذایل اخلاقی است که از وسواس فکری نشئت می‌گیرد و متأسفانه مرد و زن، پیر و جوان به آن گرفتار، و از عواقب سخت آن نیز غافل‌اند؛ چنان‌که علی علیه السلام می فرماید: «الْغَيْبَةُ قُوْتُ كِلَابِ النَّارِ؛^۲ غیبت غذای سگ‌های جهنم است». در بین افراد جامعه، بانوان بیشتر درگیر غیبت می‌شوند و غیبت بین آنان رواج بیشتری یافته است. این امر عوامل متعدد دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تجسس

یکی از علل و انگیزه‌های غیبت کردن، تجسس در زندگی دیگران است؛ زیرا فردی که علاقه‌مند است از مسائل مخفی زندگی دیگران آگاه شود، میل به بازگو کردن آن نزد دیگران را نیز دارد. در واقع تجسس مقدمه ارتکاب غیبت است. امیر مؤمنان، علی علیه السلام می فرماید: «تَتَّبِعُ الْعُيُوبِ مِنْ أَقْبَحِ الْعُيُوبِ وَ شَرِّ السَّيِّئَاتِ؛^۳

۱. محمدی ری‌شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۷.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۹.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۱۳.

جستجو کردن عیب دیگران، از زشت‌ترین عیوب و بدترین گناهان است». از قرآن مجید استفاده می‌شود که از مهم‌ترین عوامل این گناه، تجسس در احوال و اسرار مردم است و کسی که همواره در خصوصیات و اسرار مردم به جستجو می‌پردازد، قهراً به بیماری غیبت مبتلا می‌شود.^۱ در این میان، زنان چون بیشتر با زندگی خصوصی یکدیگر ارتباط دارند، زمینه تجسس در آنها بیشتر است و کنجکاوی بیشتری در این زمینه دارند. همین موضوع می‌تواند عامل ارتکاب به گناه تجسس شود که پیش‌زمینه غیبت است. بنابراین برای جلوگیری از غیبت، لازم است از تجسس در زندگی مردم پرهیز کنیم و مشغول زندگی خود باشیم.

۲. سوءظن

فردی که در زندگی‌اش دچار سوءظن است، همیشه در دل به بدگویی و غیبت دیگران مشغول است و از این جهت است که برخی از علمای اخلاق از سوءظن به غیبت قلبی و باطنی نام برده‌اند. افرادی که سوءظن دارند، به همه بدبین‌اند و کارهای آنان را بر اساس انگیزه‌های خصمانه و ریاکارانه تحلیل می‌کنند. آن‌ها به کسی اعتماد نمی‌کنند؛ هر حرفی را به نوعی دشمنی دانسته، بر غرض‌ورزی حمل می‌کنند؛ و هر کاری را به بدترین شکل ممکن تفسیر و تحلیل می‌کنند. این پدیده اغلب در زنان به این صورت مشاهده می‌شود که به علت سوءظن به خانواده همسر یا سوءظن به عروس، تمام حرکات و سخنان آنان را به بدترین شکل ممکن تفسیر می‌کنند؛ در حالی که ممکن است این‌طور نباشد و بلکه می‌توان سخن و رفتار آنان را به نحو مطلوبی تفسیر کرد. آن‌ها حتی گاهی در امور اطرافیان‌شان تجسس می‌کنند تا مطلبی علیه خود در رفتار آنان بیابند. پس

۱. مهدوی کتی، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، ص ۳۴.

اگر بخواهیم غیبت نکنیم، باید سوءظن نداشته باشیم و چنانچه بخواهیم گرفتار سوءظن نشویم، باید در امور مردم جستجو نکنیم؛ زیرا سوءظن و تجسس در امور یکدیگر، تأثیر متقابل دارند و گاهی تجسس باعث سوءظن می‌گردد و گاهی سوءظن منشأ تجسس می‌شود. بنابراین باید از هر دو احتراز کرد. در روایات نیز از تجسس و سوءظن به دلیل عواقب منفی آن نهی شده است.

آیت‌الله مهدوی کنی نیز می‌فرمایند: چنان‌که خصلت بدگمانی بسیار زشت و ناپسند است، در مقابل، خوش‌گمانی از صفات نیک و از مکارم اخلاق مؤمن است. اخلاق اسلامی، ما را به داشتن حسن ظن به دیگران ترغیب، و سلامت روح را با این حس تضمین می‌کند و زندگی اجتماعی را بر این اساس استوار می‌سازد.^۱ یعنی همان‌گونه که فکر گناه، صفای روح انسان را از میان می‌برد، سوءظن نیز این‌گونه است؛ زیرا کسی که به برادران دینی خود بدگمان شد و به این بدبینی ترتیب اثر داد - یعنی در دل آن را پیگیری کرد و پرورش داد - سوءظن او منتهی به غیبت قلبی می‌شود که علمای اخلاق از آن به «عقد القلب» تعبیر کرده‌اند و عقد قلب مقدمه غیبت زبانی، تهمت، سخن‌چینی، سعایت و بسیاری از گناهان دیگر است.^۲

برای آنکه این صفت را در خود از بین ببریم، لازم است به دیگران خوش‌بین باشیم و طبق دستورات اسلام عمل کنیم که به شدت از بدگمانی نهی کرده‌اند.

۳. حسادت

یکی دیگر از علل روانی که موجب بدگویی و غیبت می‌شود، صفت ناپسند حسادت است. حسادت نوعی اختلال عاطفی است. بعضی افراد ممکن است

۱. همان، ص ۳۶.

۲. همان، ص ۳۷.

به موفقیت و موقعیت دیگران، مال و ثروت، زیبایی، احترام و تکریمی که دیگران به شخص خاصی دارند، حسادت بورزند.

استیون رابرتز، نویسنده و روان‌شناس، حسادت را شایع‌ترین علتی می‌داند که باعث می‌شود افراد غیبت کنند: «اگر به خاطر محبوبیت، قیافه ظاهری، موقعیت مالی، پرستیژ اجتماعی و امثال این‌ها به کسی حسادت بورزیم، غیبت، وسیله خوبی برای مخدوش کردن چهره آن شخص خواهد بود»^۱ از این‌روست که در اسلام حسادت نکوهش شده است. زنان به علت قوی‌تر بودن عواطف و احساساتشان و میل بیشتر به محبوب بودن، بیشتر از مردان دچار حسادت می‌شوند. اگر حسادت به هر شکلی در آدمی باشد، به سازگاری وی لطمه وارد می‌آورد و موجب آسیب‌های جسمانی، روانی، عاطفی و اخلاقی و... فراوانی می‌شود. حسد نه تنها سایه زشتی بر زندگی عادی و روزمره انسان می‌کشد، بلکه موجب می‌شود که حسود در برابر اراده و مشیت خداوند بایستد و با آن مخالفت کند. قرآن در ترسیم این چهره حسود می‌فرماید: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»^۲ آیا به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند در حقیقت، ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم».

حسود در واکنش غیرمستقیم به خوبی‌ها و کمال دیگران، به بدگویی از آنان می‌پردازد تا منزلت آنها را کم کند و به این وسیله سعی دارد محسود را نزد همه خوار و کوچک جلوه دهد و خود را بهتر و برتر از او بنمایاند. فردی که از سر

1. <http://janahonline.ir>.

۲. نساء، آیه ۵۴.

حسادت غیبت می‌کند، در واقع در نهایت ناتوانی و درماندگی است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الغیبةُ جُهدُ العاجز؛^۱ غیبت کردن، تلاش شخص ناتوان است». برای آنکه دچار غیبت نشویم، باید رذیله حسد را از خود دور کنیم و به این منظور باید به مضراتی که حسد بر جسم و جان وارد می‌آورد، بیندیشیم. دعا و راز و نیاز با ذات حق تعالی، بهترین و مؤثرترین شیوه برای از بین بردن بیماری‌های روحی و روانی است.

۴. کینه و دشمنی

دشمنی با افراد و کینه‌توزی‌ها می‌تواند عاملی برای بدگویی کردن باشد. فرد غضبناک با غیبت کردن و بدگویی در واقع می‌خواهد از حرارت غیض و کینه خود بکاهد. به همین دلیل از غیبت به عنوان سلاحی برای تخریب شخصیت طرف مقابل خود و انتقام‌گیری شخصی استفاده می‌کند. اغلب بانوانی که جرئت حرف زدن و دفاع کردن رودررو با افراد را ندارند، دست به دامن غیبت می‌شوند و این‌گونه خود را تخلیه می‌کنند. منفورترین افراد نزد خداوند غیبت‌کنندگان هستند؛ چون هیچ فردی راضی به غیبت شدن نیست، چنان‌که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «أَبْغَضُ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ الْمُغْتَاب؛^۲ منفورترین مردم نزد خداوند، غیبت‌کنندگان هستند.»

درمان علمی این گناه آن است که شخص در پیامدهای این گناه بیندیشد و نفس خویش را تربیت کند و این پیامدها را با آنچه از این گناه عایدش می‌شود، مقایسه کند. با این مقایسه، وی تشویق می‌شود که این رذیله را ترک کند؛ زیرا او با این گناه، علاوه بر این‌که بغض و کینه و دشمنی ایجاد می‌کند، از چشم مردم

۱. محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۶.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۰۱.

می‌افتد و رسوای دو عالم می‌گردد. هرگاه این پیامدها را با چند لحظه یاوه‌سرایی مقایسه کند، پی خواهد برد که با غیبت کردن چه خطای بزرگی مرتکب شده است.

۵. تکبر و فخر فروشی

یکی دیگر از عوامل غیبت، تکبر است. معمولاً فرد متکبر به قصد خوار کردن دیگران از آن‌ها غیبت می‌کند؛ زیرا خود را نسبت به دیگران در سطح بالاتری می‌بیند و همه را زیردست خود می‌انگارد و زمانی که نیازهای نفسانی او از طریق افراد دیگر برآورده نشود، به غیبت و بدگویی از آن‌ها رو می‌آورد. متأسفانه برخی بانوان، مواردی چون شیک‌پوشی، وضع مالی خوب، زیبایی، مدرک تحصیلی بالا و... را معیارهای برتری خود نسبت به دیگران در نظر می‌گیرند و بر همین اساس انتظار دارند که دیگران نیز با همین معیارها شأن وی را بالاتر بدانند و اگر این خواسته محقق نشود، با غیبت کردن از فرد متخاطبی و خرد کردن شخصیت وی، خود را تسکین می‌دهند.

برای جلوگیری از ایجاد تکبر، لازم است به تذکر خوبی‌های دیگران و بررسی عیوب خود پردازیم. آدمی اگر با نگرش عمیق به رفتار و کردار خویشتن، به سراغ نارسایی‌ها و عیوب خود رود، هرگز درصدد عیب‌جویی از دیگران برنخواهد آمد. کسی که به خودآگاهی رسید و خویشتن را سراپا عیب و نقص دید، شرم دارد که دیگران را سرزنش کند و عیوب آنان را نقل مجالس کند. عیب خود یک ذره چشم‌کور او می‌بیند گرچه هست او عیب‌جو

۶. بیکاری

رایج‌ترین علت غیبت، بیکاری است؛ خصوصاً بین بانوان که اوقات فراغت بیشتری دارند. یکی از مضرات این بیکاری آن است که ممکن است فرد در

درازمدت برای پر کردن اوقات فراغت خود، در بین خانواده و دوستان به غیبت رو بیاورد و از این کار به عنوان سرگرمی استفاده کرده، به این امر زشت عادت کند. بیکاری و بی‌برنامگی و عاطل و باطل بودن، سرمنشأ بسیاری از گناهان، از جمله غیبت کردن است و به تجربه هم ثابت شده که افراد بیکار و تنبل، بیشتر به فساد اخلاقی، مانند غیبت و تهمت و سخن‌چینی و امثال آن آلوده می‌شوند.

درمان عملی غیبت، مشغول شدن به فعالیت‌های مفید مثل مطالعه، هنر، نوشتن داستان و بسیاری کارهای مفید دیگر است تا فرد وقت اضافی برای غیبت کردن نداشته باشد. با پر کردن این وقت، شخص انگیزه کمتری برای غیبت کردن پیدا خواهد کرد.

۷. میل به زیاد صحبت کردن

یکی از خصوصیات بانوان، میل به زیاد صحبت کردن است. زنان به طور طبیعی نسبت به مردان بیشتر حرف می‌زنند و حتی در هنگام ناراحتی، دوست دارند با صحبت کردن تخلیه روانی شوند؛ در حالی که مردان تمایل چندانی به صحبت کردن و درد دل کردن ندارند. بنابراین اگر بانوان این میل را در مسیر درست هدایت نکنند، وسوسه‌های شیطانی، غیبت کردن را برای آنان شیرین جلوه می‌دهد و با غیبت کردن، میل به صحبت کردن را در ایشان ارضا می‌کند و با این خصوصیت، خواسته یا ناخواسته وارد مقوله غیبت می‌شوند. پیشوای متقیان، علی علیه السلام می‌فرماید: «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ؛^۱ سخن چون دواست، اندک‌ش سودمند و زیادش کشنده است».

۱. تمیمی آمدی، *غرر الحکم و درر الکلم*، ص ۱۵۹، ح ۲۱۷۵.

یکی از راه‌های دور شدن از گناهان زبان، مهار زبان است. هرکس بتواند زبان خود را کنترل کند، موفق می‌شود جلوی بسیاری از گناهان را بگیرد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «فِتْنَةُ اللِّسَانِ أَشَدُّ مِنْ صَرْبِ السَّيْفِ؛^۱ فساد و فتنه زبان، از ضربه شمشیر، شدیدتر و بلاخیزتر است».

امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ می‌فرماید: «و اما [علاج] عملی به این است که تا چندی با هر زحمت شده، کف نفس از این معصیت کرده، مهار زبان خود را در دست گرفته، کاملاً از خود مراقبت کنی و با خود قرارداد کنی که چندی مرتکب این خطیئه نشوی و از خود مراقبت و محافظت کنی و حساب خود را بکشی؛ امید است ان‌شاءالله پس از مدت کمی اصلاح شده، قلع ماده آن بشود و کم‌کم کار بر تو آسان می‌شود. پس از چندی احساس می‌کنی که طبعاً از آن منزجر و متنفری. پس راحتی نفس و التذاذ در ترک این می‌شود.»^۲

۸. هم‌رنگ شدن با دیگران

یکی دیگر از علل روانی ارتکاب به غیبت، اثرپذیری از محیط و اطرافیان است. این مسئله در بانوان بسیار فراگیر است که در مجلسی عده‌ای برای تفریح، عیب‌های مردم را فاش می‌سازند و به خیال خود با این حرام، به مجلس خود رونق می‌بخشند. در چنین مجالسی افرادی هستند که می‌دانند این کار غیبت است و غیبت نیز حرام است؛ ولی برای هم‌رنگ شدن با جماعت یا عقب نماندن از قافله، به غیبت آنها گوش می‌دهند و گاهی خودشان هم زبان به غیبت می‌کشایند تا رضایت هم‌نشینان خود را جلب کنند؛ در حالی که این شیوه جلب رضایت مخلوق، سبب خشم خالق خواهد شد. توجه به این نکته که اگر غیبت

۱. محمدی ری‌شهری، *میزان الحکمه*، ج ۸، ص ۴۹۷.

۲. امام خمینی، *چهل حدیث*، ص ۳۱۳.

دیگران را کنیم، دیگران نیز غیبت ما را می‌کنند، می‌تواند مانع غیبت شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَغْتَبْ فَتُغْتَبَ وَلَا تَحْفَزْ لِأَخِيكَ حُفْرَةً فَتَقَعَ فِيهَا فَإِنَّكَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ»^۱؛ غیبت نکن که از تو غیبت می‌شود و برای برادرت چاه مکن که خود در آن می‌افتی؛ زیرا با هر دست بدهی، با همان دست پس می‌گیری».

۹. شوخی و تمسخر

یکی از تفریحات برخی افراد در جلسات خصوصی و مهمانی‌ها تمسخر دیگران و خندیدن به عیوب آنان است. این افراد برای خندانند دیگران، گاهی طرز لباس پوشیدن، راه رفتن، سخن گفتن و... افراد را تقلید می‌کنند و در واقع با ابزار مختلف به غیبت افراد مشغول می‌شوند و این کار را شوخ طبعی می‌پندارند؛ اما در واقع این مجالس، نوعی مجلس لهو و لعب است که ثمره‌ای جز بطالت وقت و گناه ندارد و موجب می‌شود که عبادات غیبت‌کننده و شنوندگان غیبت قبول نشود؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ اَعْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَ لَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ»^۲ هرکس از مرد یا زن مسلمانی غیبت کند، خداوند تا چهل شبانه‌روز نماز و روزه او را نپذیرد، مگر اینکه غیبت‌شونده او را ببخشد».

یکی از راه‌هایی که می‌تواند تاثیر مثبتی در کم شدن غیبت داشته باشد و انگیزه غیبت‌کنندگان را به این امر کم کند بی‌اعتنایی به غیبت‌کنندگان هنگام غیبت کردن است چون فردی که صحبت می‌کند نیازمند توجه مخاطبین است و اگر توجه کافی از طرف مخاطبین خود نبیند و یا احساس کند آنها از این سخن او خوششان نیامده دیگر چنین سخن نخواهد گفت.

۱. محمدی ری‌شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۷.

۲. همان، ص ۴۳۶.

۱۰. واکنش شنونده غیبت

یکی از علل شایع شدن غیبت، اشتیاق نشان دادن شنوندگان به شنیدن غیبت است. این واکنش آن‌ها فرد غیبت‌کننده را به ادامه دادن غیبت و تلاش برای جمع‌آوری مطالب بیشتر برای عرضه به دیگران، تشویق می‌کند و مصداق این ضرب‌المثل می‌شوند: «مستمع، صاحب سخن را بر سر ذوق آورد».^۱ برای همین است که در روایات، گناه شنونده غیبت همانند گناه غیبت‌کننده معرفی شده است؛ امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «السَّامِعُ لِلْغَيْبِ كَالْمُعْتَابِ»^۲ شنونده غیبت، مانند غیبت‌کننده است.

امام خمینی رحمته الله در این باره می‌فرماید: «و از اقسام خفیه غیبت، گوش کردن به آن است از روی تعجب؛ زیرا که او اظهار تعجب می‌کند که نشاط مغتاب زیاده گردد در غیبت و او را وادار به غیبت می‌کند به تعجب. مثلاً می‌گوید: من تعجب می‌کنم از این حرف! می‌خواهد تصدیق کند با این کلمات مغتاب را و از او طلب زیادت کند با لطایف، با آنکه تصدیق غیبت نیز غیبت است و گوش کردن به آن، بلکه سکوت کردن در وقت شنیدن آن، غیبت است».^۳

گاهی انسان ناگزیر است در مجلسی بنشیند که در آنجا غیبت می‌شود؛ در این موقعیت‌ها باید برای آلوده نشدن به گناه غیبت، از شخص غایب دفاع کند و مانع ادامه غیبت از او شود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اکرم در این باره فرموده است: «مَنْ تَطَوَّلَ عَلَى أَخِيهِ فِي غَيْبَةٍ سَمِعَهَا فِيهِ فِي مَجْلِسٍ فَرَدَّهَا عَنْهُ رَدَّ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ بَابٍ مِنَ الشَّرِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۴ هرکس در مجلسی بشنود که از برادرش غیبت می‌شود و آن را از او دفع کند، خداوند هزار باب بدی را در دنیا و آخرت از او دفع کند.

۱. صائب تبریزی.

۲. محمدی ری‌شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۸.

۳. امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۳۱۸.

۴. محمدی ری‌شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۹.

۱۱. اغوای شیطان

شیطان، دشمنی است که برای گمراهی و اغوای انسان‌ها قسم خورده و برای این کار در مسیر تمام آدمیان کمین می‌کند. در این میان، حتی افراد مذهبی که به تکالیف شرعی خود به خوبی عمل می‌کنند، از این قاعده مستثنا نمی‌شوند و مورد اغوای شیطان قرار می‌گیرند و برای مثال، گاه به رذیله اخلاقی غیبت آلوده می‌شوند. گاهی دیده می‌شود حتی بانوان محجبه‌ای که اهل نماز و عبادت هستند نیز به پرهیز از غیبت اهمیت نمی‌دهند و حتی در اماکن مقدس، مثل مساجد و تکایا و امامزاده‌ها با اطرافیان خود مشغول غیبت می‌شوند؛ در حالی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره اثر تخریبی این گناه چنین هشدار داده است: «الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكَلَةِ فِي جَوْفِهِ»^۱ غیبت کردن، در نابودی دین آدمی زودتر کارگر افتد تا بیماری خوره در اندرون او).

مرحوم نراقی می‌فرماید: «از اعظم مفسد غیبت آن است که باعث آن می‌شود که اعمال خیر آن کسی که غیبت کرده و در عوض آن غیبت، به نامه عمل آن شخصی که غیبت او شده ثبت می‌شود و گناهان این به دیوان اعمال او نقل می‌شود و چه احمق کسی باشد که به واسطه یک سخن در روز قیامت، وزر و وبال دیگری را متحمل گردد».^۲

مکن غیبتِ هیچ‌کس را بیان که روزی شود بر تو غیبت عیان^۳

داستان غیبت

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: روزی به اتفاق رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جایی

۱. همان، ص ۴۳۷.

۲. احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۴۷۱.

۳. سعدی.

می‌رفتیم. در بین راه، بوی گند و متعفن‌ی به مشاممان رسید. حضرت با تنفر و انزجار از این ماجرا فرمود: علت وزش این بوی گند، این بود که عده‌ای از منافقین پشت سر بعضی از مؤمنان غیبت می‌کردند.

آری، مجلسی که افراد آن به جای سخن نیک، به غیبت کردن و بدگویی مشغول باشند و به خوردن گوشت بدن برادران و خواهران دینی خود پردازند، جز بوی گند و متعفن چیزی از آن مجلس به مشام انسان نمی‌رسد.^۱

انس بن مالک نیز می‌گوید: روزی رسول خدا ﷺ امر به روزه فرمود و دستور داد کسی بدون اجازه من افطار نکند. مردم روزه گرفتند؛ چون غروب شد، هر روزه‌داری برای اجازه افطار به محضر آن جناب آمد و آن حضرت اجازه افطار داد. در آن وقت مردی آمد و عرضه داشت: دو دختر دارم که تا کنون افطار نکرده‌اند و از آمدن به محضر شما حیا می‌کنند؛ اجازه دهید هر دو افطار کنند. حضرت جواب نداد. آن مرد گفته‌اش را تکرار کرد؛ حضرت پاسخ نگفت. چون بار سوم گفتارش را تکرار کرد، حضرت فرمود: آن‌ها که روزه نبودند! چگونه روزه بودند در حالی که گوشت مردم را خورده‌اند. به خانه برو و به هر دو بگو قی کنند. آن مرد به خانه رفت و دستور قی کردن داد. آن دو قی کردند و از دهان هریک قطعه‌ای خون لخته‌شده بیرون آمد. آن مرد در حال تعجب به محضر رسول خدا ﷺ آمد و داستان را گفت. حضرت فرمود: به آن کسی که جانم در دست اوست، اگر این گناه غیبت بر آنان باقی مانده بود، اهل آتش بودند.^۲

یکی دیگر از راه‌های درمان گناه، ذکر حق تعالی و سپس استغفار از آن گناه و ظلم بر نفس است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاجِرَةً

۱. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۵۱۷.

۲. حسین انصاریان، عرفان اسلامی (شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه)، ج ۱۰، ص ۱۲۴.

أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ
وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ^۱؛ و آنان (نیکوکاران) چون کار زشتی
کنند یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش
می‌خواهند؛ و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده‌اند،
با آن‌که می‌دانند [گناه است]، پافشاری نمی‌کنند».

خدا ترسی و یاد خدا سبب ترک هر گناهی، از جمله غیبت می‌شود؛ چراکه
جایی که ذکر خدا باشد، شیطان وارد نمی‌شود. اگر انسان به یاد خدا باشد، خدا
نیز به یاد اوست و توجه خدا که مدیر و مدبر همه امور است، به انسان، همه
مشکلات جسمی و روحی انسان را برطرف می‌سازد؛ چنان‌که خداوند
می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ»^۲ پس مرا یاد کنید،
تا شما را یاد کنم و شکرانه‌ام را به جای آورید و با من ناسپاسی نکنید».

امیر مؤمنان، علی علیه السلام در خصوص نقش یاد خدا در درمان بیماری‌های
روحی چنین فرمود: «ذِكْرُ اللَّهِ دَوَاءٌ أَعْلَلِ النَّفْسُ»^۳ یاد خدا، داروی بیماری‌های
دل‌هاست».

یاد او کن تا تو روحانی شوی عاری از هر کید شیطانی شوی

۱. آل عمران، آیه ۱۳۵.

۲. بقره، آیه ۱۵.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۷۰، ح ۵۱۶۲.